

## سنت مدیحه‌پردازی ضمن غزل با اشاره‌ای به جایگاه سعدی

سعید حمیدیان

سال‌هاست که شاهد جریانی هستیم به خصوص در پژوهش‌های پیرامون حافظ که از جانب افراد تک‌فن‌ارایه می‌شود. در این جریان هرگونه ابتکار، هرگونه خلاقیت و هرگونه نوآوری که در تاریخ ادب گران‌سنگ‌داری افتاده به حساب خواجه واریز می‌کنند، که این را بنده یک دفاع بد می‌نامم و حافظ نیز به این دفاع بد ما نیاز ندارد. حافظ به آن روحی دست پیدا کرده که تقریباً دست نیافتنی است، اما ما یک گل در این گلزار نداریم. کران‌تا کران گل‌های مختلف با رایحه‌های مختلف وجود دارد و این واقعاً دریغ است که خدای ناکرده بیاییم و کسان‌دیگری از جمله فردوسی، سعدی و... را در پای حافظ بشکنیم. کشور ما مثل خیلی از کشورها نیست که یکی دوشاعر ملی دارند و می‌گذارند روی سرشان و در اعیاد و مراسم حلوا حلوا می‌کنند.

بنده معتقدم که شأن حافظ در ابتکار نیست و به جرأت می‌توان گفت که در سراسر حدود پانصد غزل‌دیوان حافظ بیش از چند مضمون پیدا نمی‌شود که ابتکار شخص حافظ باشد. شأن حافظ در هیأت ترکیبی غزلش است یعنی مجموعه‌ای از فرم و محتوی.

این را باید اقرار کنیم و حرفی در این نیست اما این که بیاییم هرچه سخنوران قبلی ابتکار کردند را در انبان حافظ بریزیم، کار ناپسندی است. یکی از این ابتکارات سنت

آوردن ابیاتی متین در غزل است. حافظ تعداد زیادی غزل دارد که این غزل‌ها متغیر از یک بیت تا تمام ابیات به مدح اختصاص دارد، اما این که یکی از حافظ‌پژوهان مشهور بیاید و بگوید سعدی غزل مدحی ندارد باعث برآشفنگی من می‌شود. به او گفتم که شما کلیات ویرایش محمدعلی فروغی را دو سه بار ویرایش و چاپ کرده‌اید خودتان دقت نکرده‌اید که سعدی سیزده غزل مدح‌آمیز دارد؟

سابقه مدح مربوط به قرن ششم است. از آن موقع غزل فارسی به عنوان یک قالب مستقل از قصیده جدا شد، این هم جزء جنبه‌های شعر بود یعنی آوردن غزل مدحی. دلیل اصلی هم این است که شاعران غزل سرای قرن ششم معمولاً قصیده سرایان بودند و قصیده سرایان هم نمی‌توانستند از عادت خودشان در مدح گویی به راحتی جدا شوند و بگذرند، این بود که کم و بیش در بعضی از غزل‌های خودشان یک یا چند بیت مدحی را با هم درج می‌کردند.

در قرن ششم ما شاعرانی مثل انوری را داریم که غزل‌هایشان دارای یک بیت یا بیشتر مدح است و حتی گاهی یک غزل تمام مدحی دارند.  
ای جهان را به حضرت تو نیاز در جای تو تا قیامت باز  
خاقانی که شاعر قرن ششم است نیز دارای غزل تمام مدحی و چند غزل دیگر است که یک تا سه بیت مدحی دارند.

بوسه که آسمان لعل سمند تو باد نور ده آفتاب بخت بلند تو باد  
جمال‌الدین عبدالرزاق با این که حدود ۲۰۰ غزل دارد باز هم چندین غزل مدح‌آمیز دارد. نظامی نیز که فقط ۵۶ غزل دارد، شش غزل مدح‌آمیز دارد.

در قرن هفتم به غیر از سعدی که اشاره خواهیم کرد امیر خسرو دهلوی در نیمه دوم قرن هفتم و ربع اول قرن هشتم و بعد از او خواجه کرمانی در نیمه اول قرن هشتم و بعد از او سرانجام حافظ در نیمه دوم قرن هشتم دارای اشعار مدحی هستند. ملاحظه می‌فرمایید که چه راه طولانی طی شده است و نیازی نداریم که این‌را هم ابتکار خود بدانیم و به حساب خواجه واریز کنیم.

به نظر بنده آمیختن مدح ضمن غزل کمک می‌کند به آن چیزی که تنوع مضمونی می‌گوییم و ما غزل‌خواجه را به این ویژگی می‌شناسیم.

بعضی از حافظ‌پژوهان ۸۰ تا ۹۰ درصد غزل‌های خواجه را دارای ساختار متنوع‌المضمون می‌دانند یعنی در درون یک غزل، یک بیت به مدح، یک بیت به تغزل، یک بیت در وصف شراب و سایر چیزها اختصاص دارد.

آمیختن مدح با تغزل دو پایه مضمونی را فراهم می‌کند و به سهم خودش در فرایند متنوع‌المضمونی مؤثر واقع می‌شود و جالب توجه این که سیر متنوع‌المضمون در درون یک غزل نیز از قرن ششم شروع می‌شود، که من این را در مقاله‌ای دیگر به نام بحثی در ساختار غزل فارسی در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال بیست و هفتم، شماره چهارم، زمستان سال ۷۳ در یک مقاله مفصل مطرح کردم و چگونگی سیر غزل فارسی به سمت متنوع‌المضمونی را به خوبی نشان دادم که این را هم در حقیقت نباید باز به حساب خواجه واریز کرد.

سعدی دارای دوازده غزل است که صریحاً مدحی است، یعنی اسم پادشاه ابوبکر سعد بن زنگی یا صاحب دیوان معمولاً شمس‌الدین جوینی یا خاقانی که بعضی می‌گویند هلاکوست و امثال این‌ها در آن به صراحت آمده است و یک غزل دیگر هم که نوعی تهنیت‌نامه در مورد عید رمضان است اگر بر این مجموعه بیافزاییم می‌شود سیزده غزل مدحی.

در قرن ششم شاعران انواع جنبه‌های کمی و کیفی را در این باره آزمودند. جنبه‌های کمی مثل این که چندبیت مدحی باشد، یک بیت، دو بیت و گاهی یک غزل و بعد درباره شیوه‌های کیفی، گاهی اوقات مدح را به صورت پوشیده می‌گفتند. گاهی اسم را درج نمی‌کردند، گاهی صراحت را در خود متن به خرج می‌دادند یا نمی‌دادند. انواع و اقسام شیوه را شاعران در قرن ششم گفته‌اند و کهنه کرده‌اند و آزمودند.

غزل‌های مدح‌آمیز سعدی مطابق چاپ فروغی عبارتند از غزل ۱۲۸، ۱۳۶، ۲۵۶، ۳۱۸،

۳۲۸، ۳۷۱، ۳۹۲، ۴۱۸، ۵۰۹، ۵۷۸، ۵۹۸، ۶۰۹ و احتمالاً ۲۷۵.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های غزل سعدی که نور غزل سعدی را تشکیل می‌دهد، نوعی اخلاص یا خلوص چاکروار نسبت به معشوق است.

این روح غالب در شعر سعدی است و روی همین اصل است که ابیات مدحی در غزلیات، آمیخته به مدح سعدی با کل شعر به هیچ وجه غریبی نمی‌کند، اما در بعضی از غزلیات مدح‌آمیز خواجه گاهی اوقات مامی بینم که آن دو سه بیت مدحی مثل یک زایده‌ای در آخر غزل می‌آید که با کل غزل احساس بیگانگی می‌کند، اما این بیگانگی کمتر در غزل‌های مدح‌آمیز سعدی است و این به خاطر وجود همان روح اخلاص و همان حالت عبودیت، همان روح خدمت و خلوص است که در شعر سعدی وجود دارد و جالب توجه است که ما به خاطر وجود همین خصیصه است که بعضی از غزل‌های سعدی را که ظاهراً نشان از مدح ندارد، یعنی اسمی به صراحت در آن ذکر نشده، در نمی‌یابیم که آیا واقعاً مدحی بوده یا نه. فقط عاشقانه است یا مدحی است به خاطر وجود همین خصیصه، همین حالت انقیاد، حالت گردن نهادن به میل معشوق، به اراده معشوق و امثال این‌ها.

یک نکته دیگر این که سعدی غزل تمام مدحی ندارد برخلاف خواجه، یعنی غزل تمام مدحی به شیوه شاعران قرن ششم و قرن هشتم ندارد و یکی دیگر از ویژگی‌های غزل سعدی این است که غزل‌رسایی ندارد درحالی که خواجه غزل‌رسایی و مرثیه‌ای و غزل‌های سوگ متعددی دارد.

شهر آن توست و شاهی فرمای هرچه خواهی      گر بی‌عمل ببخشی و بی‌گنه برانی  
روی امید سعدی بر خاک آستان است      بعد از تو کس ندارد یا غایه‌الامانی  
یا:

یار باید که هرچه یار کند      بی‌مراد خود اختیار کند  
یا می‌گوید:

با خداوندگاری افتادم      کش سر بنده پروریدن نیست